

## پیام چهار ایوب و دو درخت

مطالعه متون مقدس: پیدایش ۲: ۹، ۱۷؛ مکاشفه ۲۲: ۱-۲، ۱۴؛  
ایوب ۱: ۱؛ ۲: ۳؛ ۴: ۷-۸؛ ۴۲: ۱-۶؛ رومیان ۸: ۵-۶

۱. بر طبق مکاشفه الهی در متون مقدس، دو درخت وجود دارد، یعنی دو منشأ، دو راه، دو اصل و دو پایان:
- آ. درخت حیات نشانگر خدای سه‌یکتاست به عنوان حیات برای انسان در رابطه خدا با انسان؛ درخت دانش خوب و بد نشانگر شیطان، ابلیس، آن شریر، به عنوان مرگ برای انسان در سقوط انسان در مقابل خداست - پیدایش ۲: ۹، ۱۷؛ مزامیر ۳۶: ۹.
- ب. درخت حیات منشأ کسانی است که جویای خدا به عنوان حیات برای تأمین و مسرتشان هستند؛ درخت دانش خوب و بد منشأ کسانی است که شیطان را به عنوان زهر مرگ و نابودی ابدی پیروی می‌کنند - یوحنا ۱: ۴؛ ۱۵: ۱؛ ۸: ۴۴.
- پ. راه نخست، یعنی راه حیات، که راهی باریک است، برای این است که انسانها جویای خدا بوده، خدا را کسب کنند و در حیات جاودان خدا، از او مسرت برند؛ راه دوم، یعنی راه مرگ و خوب و بد، برای این است که انسانها شیطان را پیروی کرده و فرزندان او باشند - متی ۷: ۱۳-۱۴؛ اعمال ۹: ۲؛ اول یوحنا ۳: ۱۰. آ.
- ت. اصل نخست، اصل حیات است - همان اصل وابستگی به خدا؛ اصل دوم، اصل مرگ، خوب و بد است - اصل استقلال از خدا - پیدایش ۴: ۳-۴؛ ارمیا ۱۷: ۵-۸؛ یوحنا ۱۵: ۵.
- ث. دو پایان، نتیجه نهایی آن دو درخت، دو منشأ، دو راه و دو اصل هستند:
۱. پایان راه حیات خدا یک شهر سرشار از آب است، همان اورشلیم نو - مکاشفه ۲۱: ۲، ۹-۱۱؛ ۲۲: ۱-۲.
۲. پایان راه مرگ و خوب و بد، دریاچه آتش است - ۱۹: ۲۰؛ ۲۰: ۱۰؛ ۱۴-۱۵.
۲. قصد خدا این نبود که ایوب را در مسیر درخت دانش خوب و بد به دست آورد، بلکه او ایوب در مسیر درخت حیات را می‌خواست:
- آ. فلسفه ایوب و دوستانش بر طبق مسیر درخت دانش خوب و بد بود؛ آنها عاری از مکاشفه الهی و تجربه حیات الهی بودند - ایوب ۲: ۱۱-۳۲: ۱.
- ب. ایوب، مثل دوستانش، در دانش درست و غلط گیر کرده بود، و اقتصاد خدا را نمی‌شناخت - ۴: ۷-۸:
۱. نه ایوب و نه دوستانش در مسیر درخت حیات که خدا برای انسان مقدر کرده بود، بودند - پیدایش ۲: ۹.
۲. برداشت آنها درباره رابطه انسان با خدا، بر اساس خوب و بد، و درست و غلط بود، این کاملاً بر طبق اصل درخت دانش خوب و بد بوده، و کاملاً بر طبق برداشت انسان اخلاقی و ساقط است - ایوب ۸: ۱-۲۰.
- پ. ایوب و دوستانش در قلمرو درخت دانش خوب و بد بودند؛ خدا سعی کرد آنها را از آن قلمرو نجات داده و در قلمرو درخت حیات قرار دهد - ۱: ۱؛ ۲: ۳؛ ۳: ۱۹؛ ۱۰: ۱.
- ت. مقصود خدا از رسیدگی به ایوب، بازگرداندن او از راه خوب و بد به راه حیات بود تا او بتواند خدا را به حد کمال به دست آورد - ۴۲: ۱-۶.
۳. ما به یک بینش از درخت حیات نیاز داریم - پیدایش ۲: ۹؛ مکاشفه ۲۲: ۱-۲، ۱۴:
- آ. درخت حیات نشانگر خدای سه‌یکتا در مسیح به جهت توزیع خود به عنوان غذا به درون مردم برگزیده‌اش است - پیدایش ۲: ۹.
- ب. درخت حیات مرکز عالم است:
۱. بر طبق مقصود خدا، زمین مرکز عالم است، باغ عدن مرکز زمین است، و درخت حیات مرکز باغ عدن می‌باشد؛ پس، درخت حیات مرکز عالم است.

۲. هیچ چیز برای خدا و انسان، مرکزی تر و حیاتی تر از درخت حیات نیست - ۳: ۲۲؛ مکاشفه ۲۲: ۱۴.
- پ. عهد جدید فاش می سازد که مسیح تحقق نماد درخت حیات است - یوحنا ۱: ۴؛ ۱۵: ۵.
- ت. همه جوانب مسیح شامل تمام که در انجیل یوحنا فاش شده اند حاصل درخت حیات هستند - ۶: ۴۸؛ ۸: ۱۲؛ ۱۰: ۱۱؛ ۱۱: ۱۱؛ ۲۵: ۱۴؛ ۶.
- ث. مسرت بردن از درخت حیات، سهم ابدی همه بازخریدشدگان خداست - مکاشفه ۲۲: ۱-۲، ۱۴.
۱. درخت حیات آنچه خدا از آغاز برای انسان قصد کرد را برای ابد تحقق می دهد - پیدایش ۱: ۲۶؛ ۲: ۹.
۲. میوه های درخت حیات در ابدیت، خوراک بازخریدشدگان خدا خواهد بود؛ این میوه ها دائماً تازه بوده و هر ماه حاصل خواهند شد - مکاشفه ۲۲: ۲.
۴. آن دو درخت در پیدایش ۲: ۹ - درخت حیات و درخت دانش خوب و بد - نمایانگر دو اصل زیستن هستند: آ. آن دو درخت نشان می دهند که یک مسیحی می تواند بر طبق دو اصل گوناگون زندگی کند - اصل درست و غلط، و یا اصل حیات - اول قرنیتیان ۸: ۱.
- ب. ایوب و دوستانش در پی چیزی در قلمرو اخلاقیات بودند، ولی ما، ایمانداران در مسیح، باید در پی چیزی در قلمرو خدا باشیم - ۱۵: ۲۸؛ افسسیان ۳: ۱۶-۲۱.
- پ. مسیحی بودن راجع به اصل درست و غلط، اصل خوب و بد، نیست، بلکه در مورد حیات است - اول یوحنا ۵: ۱۱-۱۳، ۲۰.
۱. وقتی ما خداوند عیسی را دریافت کرده و حیاتی نو یافتیم، اصلی دیگر از زیستن را به دست آوردیم - اصل حیات؛ اگر این اصل را نشناسیم، اصل حیات را کنار گذاشته و اصل درست و غلط را دنبال خواهیم کرد.
۲. در زندگی عملی، ما شاید در مسیر درخت حیات نبوده، و در عوض، در مسیر درخت دانش خوب و بد باشیم - امثال ۱۶: ۲۵؛ ۲۱: ۲.
۳. ما در زندگی روزمره خود نباید در قلمرو درخت دانش خوب و بد باشیم، بلکه باید در قلمرو روح حیات بخش باشیم - اول قرنیتیان ۱۵: ۴۵؛ رومیان ۸: ۲.
۴. برای زیستن بر طبق اصل درخت حیات، ما باید حس درونی حیات را دنبال کنیم - آ. ۶؛ افسسیان ۴: ۱۸-۱۹؛ اشعیا ۴۰: ۳۱.
- (آ) حس حیات، از جنبه منفی، حس مرگ است - رومیان ۸: ۶. آ.
- (ب) حس حیات، از جنبه مثبت، حس حیات و آرامش است، با یک حس آگاهی از قوت، رضایت، آسایش، روشنی، و راحتی - آ. ۶. ب.
۵. وقتی ما بر طبق اصل درخت حیات زندگی می کنیم، نه تنها به خوب و بد بلکه به حیات اهمیت می دهیم، و امور را نه بر طبق درست و غلط بلکه بر طبق حیات و مرگ تشخیص می دهیم - پیدایش ۲: ۹، ۱۶-۱۷؛ دوم قرنیتیان ۱۱: ۳.
۵. هر ایماندار واقعی در مسیح، یک باغ عدن کوچک است، با خدا به عنوان درخت حیات در روح او، و شیطان به عنوان درخت دانش خوب و بد در جسم او - پیدایش ۲: ۹؛ رومیان ۸: ۲، ۵-۶:
- آ. ما یک باغ عدن کوچک هستیم، زیرا آن وضعیت مثلث شکل که شامل خدا، انسان، و شیطان است اکنون در درون ماست - پیدایش ۱: ۲۷-۲۹؛ ۲: ۹، ۱۶-۱۷:
۱. قبل از سقوط انسان، درخت دانش خوب و بد و درخت حیات بیرون از انسان بودند.
۲. از طریق سقوط، درخت دانش خوب و بد در ماست، و از راه تولد تازه، درخت حیات اکنون در ما می باشد.
۳. روح ما با خدای سه یکتا آمیخته شده، و بدن ما، که تبدیل به جسم [نفس] گردیده است، با عنصر گناه آلود شیطان مخلوط شده است؛ این مورد باعث می شود که یک مسیحی، یک باغ عدن کوچک باشد.
- ب. به عنوان اشخاصی که آدم در پیدایش باب ۲ نماینده آنهاست، ما درخت حیات را در روح، و درخت دانش خوب و بد را در جسم خود داریم - آ. ۹؛ مکاشفه ۲: ۷؛ ۲۲: ۱۴:
۱. ما هرگاه با درخت خوب و بد تماس داریم، می میریم، و هرگاه با درخت حیات در تماس باشیم، حیات

می گیریم - رومیان ۸: ۵-۶، ۱۰.

۲. اگر ما سمت درخت دانش خوب و بد بایستیم و با شیطان تماس بگیریم، حیات شیطان را زیست می کنیم، و این به مرگ می انجامد - دوم قرن تیان ۱۱: ۳؛ رومیان ۳: ۲۳؛ اول یوحنا ۳: ۴.

۳. اگر ما سمت درخت حیات بایستیم و با خدا در تماس باشیم، خدا را زیست می کنیم، و این به حیات می انجامد - یوحنا ۱۱: ۲۵؛ ۱۴: ۶؛ ۱۵: ۱، ۴-۵.

پ. رومیان ۸: ۵-۶ یک باغ عدن کوچک را نشان می دهد، با جسم و مرگ در یک سو، و روح و حیات در سویی دیگر، و ذهن در وسط آنها:

۱. ما از رومیان باب ۸ می آموزیم که باید تمام وجود خود را به آن که زنده و در روحمان ساکن است بازگردانیم و با او یک بمانیم - آ. ۶؛ اول قرن تیان ۶: ۱۷.

۲. ما وقتی ذهنمان را بر روح می گذاریم، دارای حیات، آرامش، نور، راحتی و تسلی هستیم؛ پس تشنگی ما رفع شده و گرسنگی مان برطرف می گردد - رومیان ۸: ۵، ۶؛ یوحنا ۴: ۱۴؛ ۷: ۳۷-۳۸؛ متی ۵: ۶.

۳. ما وقتی ذهنمان را بر روح می گذاریم، ذهن ما پر از حیات و آرامش است - رومیان ۸: ۶:  
(آ) ما آرامش داریم چرا که هیچ اختلافی بین رفتار ظاهری و وجود درونی ما نیست - اشعیا ۹: ۶-۷؛  
۳: ۲۶.

(ب) ما وقتی که با قرار دادن ذهنمان بر روح، سخن می گوئیم، حیات در کلام ما تجسم می شود، زیرا با خداوند یک روح هستیم - امثال ۱۸: ۲۱؛ یوحنا ۶: ۶۳؛ افسسیان ۴: ۲۹.